

شهید محمدرَسُول حَسَن زاده



تاریخ تولد: 1341

محل تولد: آسیابان

تاریخ شهادت: 1361/1/2

محل شهادت: جبهه شوش

شرح کوتاه از زندگی شهید:

وی در خانواده ای متدین و علاقمند به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) پیشه به جهان گشود. گرچه که خانواده وی کم بضاعت بودند ولی تلاش و تقید برای کسب روزی ملال باعث رشد و کمال آنها گردید و محمد رسول تا پایه پنجم ابتدایی تمصیل کرد و بعلت کم درآمد بودن خانواده و امساس مسئولیتی که داشت از همان اوان نوجوانی بدنبال کسب درآمد به شغل جوشکاری همت ورزید. درستکاری، جدیت و امانتداری وی رمز موفقیت او بود. او از همان اوان نوجوانی در امور زندگی بسیار مقید بود و ارزشهای اسلامی را قبل از انقلاب هم ارج می نهاد و به مضم اینکه زمزمه های انقلاب بگوش رسید و با چهره امام خمینی(ره) آشنا شد، ایشان را مدافع اسلام و یاور امام زمان(عج) می خواند. وی نسبت به اعضای خانواده و اقوام بسیار مهربان و فوش رفتار بود بگونه ای که همه او را دوست داشتند و به مکتب امام مسین(ع) بسیار عشق می ورزید و گاهاً مدامی در خانه می کرد و به نماز اول وقت و نماز جماعت در مسجد بسیار اهمیت می داد و نسبت به مجاب و عفت و میا از همان کوچکی بسیار مساس بود.

در مسیر مبارزات:

شهید مسن زاده گرچه از سواد چندانی برخوردار نبود ولی ضمیری آگاه و روشنی داشت، لذا از همان اوایل انقلاب خود را مسئول می دانست و در مد توان در برنامه های شعارنویسی و سردادن شعار مرگ بر شاه در روستا مبادرت می جست. تا اینکه برای اولین بار جلوی ورودی روستای آسیابان با چند نفر از نوجوانان دیگر روستا ایستاده و از افرادی که وارد روستا می شوند می فوهند که مرگ بر شاه بگویند که به همین دلیل هم از سوی پاسگاه به همراه دوستانش مورد بازداشت قرار می گیرد و اولین راهپیمائی از سوی مردم آسیابان برای آزادی آنان آغاز می شود و پس از آن هر روز مراسم راهپیمائی در یکی از روستاهای

منطقه برگزار تا پیروزی نهایی ماصل می گردد. او پس از پیروزی انقلاب فود را سرباز امام می دانست و می گفت امام اسلام را زنده کرده است و من افتخار می کنم که سرباز امام خمینی(ره) می باشم. او در جریان انحرافی منافقین و حمایت بنی صدر از آنها از مظلومیت شهید بهشتی دفاع می کرد و بر علیه بنی صدر شعار می نوشت و می گفت طرفداران بنی صدر او را نمی شناسند و بزودی او را فوهند شناخت و فوهند فهمید.)

نیم نگاهی به خاطرات نزدیکان و دوستان شهید:

پدر شهید می گوید: فرزندم ممدرسول از همان دوران اول انقلاب عشق شهادت داشت و می گفت من می فوهم شهید بشم و همیشه وردش همین بود.

مادر شهید می گوید: قبل از اینکه ممدرسول به جبهه شوش اعزام گردد برای مرفعی آمد و با ما مشورت کرد و چون با مخالفت ما روبرو شد قدری برآشفته شد و اظهار داشت: مادر جانباژ مگر فون من از فون دیگران رنگین تر است. مگر من فرزند این انقلاب و کشور نیستم و آنقدر اصرار کرد تا رضایت ما را جلب کرد.

فواهر بزرگ شهید می گوید: در آفرین مرفعی که آمده بود هنگام برگشت با رفتار و گفتارش بگونه ای وانمود می کرد که من دیگر به جمع شما بر نمی گردم مگر با لباس شهادت و در آفرین لمضات فداهافضی اش در مقابل ما ایستاد و انگشتان دستش را بالا برد و گفت از هر یک از شما فقط یک انگشت به جنازه ام فواهد رسید.

یکی از دوستان و همدوره های شهید می گوید: ممدرسول جوانی بسیار مقید بود و در ماههای نزدیک شهادت فیلی تغییر کرده بود. در بازار اهواز با یکدیگر راه می رفتیم، یک لمظه دیدم به سمت دیگری حرکت کرد و گفت در این شلوغی بازار ما نافواسته دچار گناه می شویم و ممل کم رفت و آمد حرکت می کرد.

مختصری از آخرین دست نوشته شهید:

پدر و مادر گرامی: اگر چه من نتوانستم دین فود را نسبت به شما بعنوان پدر و مادر فوب و زهمتکش ادا کنم به هر حال از شما معذرت می فوهم و تقاضای عاجزانه ام این است که مرا ملال کنید و شما

ای فواهران و برادرانم: سفارش من به شما این است که با همدیگر مهربان باشید و در درس خود کوشا باشید. زیرا چشم امام بزرگوارمان به شما دانش آموزان است و شما باید که امید ملت و کشور هستید.

شهادت:

شهید مسن زاده اولین شهیدی است که از روستای آسیابان برای دفاع از اسلام و انقلاب تقدیم گردید، او داوطلبانه در عملیات فتح المبین در جبهه شوش و دشت آزادگان شرکت نمود و در اثر تیر مستقیم دشمن در تاریخ 1361/1/2 دعوت حق را لبیک گفته و به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

پیکر پاک او بر دوش مردم همیشه در صحنه آسیابان با شکوهی خاص تشییع و در گلزار شهدای این روستا به خاک سپرده شد. رومش شاد و یادش گرامی باد.

پیام برگرفته از بیانات خانواده شهید:

ممدرسول هرگز در مواجهه حق با باطل بی تفاوت نبود، نه در هنگام نوجوانی و نه در هنگام جوانی، همیشه مدافع حق و حقیقت بود و نهایتاً به منزلت شایستگیان فدا نائل آمد. فرزند ما امانتی بود که به صامبش تقدیم کردیم و چه بهتر که در راه دفاع از اسلام عزیز او را هدیه نمودیم، نارامت که نیستیم بماند بلکه افتخار نیز می نمائیم که توفیق هدیه دادن در راه فدا را داشته ایم. ما رفتار و اخلاق فوش او را همیشه به یاد داریم و سعی می کنیم ادامه دهنده راه او باشیم و از ملت بزرگوار ایران هم می فوایم که شهیدان و راه پاکشان را فراموش نکنند تا در پیشگاه امام(ره) و شهدا مدیون نباشند.